

بازخوانی جایگاه مهدویت در تحقق حکومت عدل از منظر زیدیه^۱

سیده فاطمه حسینی میرصفی^۲
سید عبدالله دانشی^۳

چکیده

«مهدویت» به عنوان آموزه مهم و مورد اجماع فرقه‌های اسلامی، دارای تعریف و تبیین‌های متنوعی است. «زیدیه» به عنوان فرقه چهار امامی؛ تحقق «حکومت عدل و نفی ظلم» را محور و معیار دیگر عقاید خود قرار داده و تمام امور را دایر مدار این مسئله عنوان کرده‌اند. هرچند در تحلیل و گفتارهای سران و متفکران زیدیه از امامت، نص و نصب الهی سخن به میان آمده و حتی به صورت فرعی و تبعی از روایات خاص مربوط به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه له بهره گرفته شده است؛ آن چه اصالت دارد، نفی ظلم و ستم و قیام برای تحقق آن است که خلیفه‌ای از اهل بیت علیهم السلام به صورت عام و نه معین آن را تحقق می‌بخشید. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی، متون و گفتارهای «زیدیه» را بررسی و چگونگی بهره‌برداری زیدیه را از مفاهیم مهدوی، اعم از شخص امام، خلافت، برنامه‌ها و علائم ظهور به منظور ایجاد «جامعه عدل» بازخوانی می‌کند. یافته‌های مهم این تحقیق عبارتند از: محوریت قیام و امر به معروف و نهی از منکر در ساختار معرفتی امامت زیدیه و معیار قرار دادن آن در شناخت امام.

واژگان کلیدی: زیدیه، حکومت عدل، قیام، جهاد، امر به معروف، نهی از منکر.

۱. برگرفته از رساله دکتری با عنوان «تطور اندیشه مهدویت در فرق اسلامی» دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام خمینی تهران.

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام خمینی، تهران (نویسنده مسئول).

mirsafy@yahoo.com

۳. دکترای علوم قرآن و حدیث از دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام خمینی، تهران. Daneshi.said@yahoo.com

۱. مقدمه

اسلام با مجموعه‌ای از آموزه‌های مختلف فردی و سیاسی - اجتماعی توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم تبلیغ و ترویج شد؛ اما پس از آن حضرت، انحرافات و خلل‌هایی در بخش‌های مهمی از آموزه‌های اسلامی، خصوصاً در قسمت اجرایی و حاکمیتی اتفاق افتاد؛ از جمله در موضوع عدالت و نفی ظلم؛ به طوری که این مؤلفه مهم، به تدریج به حاشیه رفت و در دوران حاکمیت اموی، ظلم ساختاری و تشکیلاتی بروز و شدت پیدا کرد. این مسئله باعث شد برخی از جریان‌های اسلامی به دنبال احیای موضوع عدالت و اجرای امر به معروف و نهی از منکر برآیند. در این میان، «قیام عاشورای حسینی» که با اصالت و مشروعیت تام انجام شد، انگیزه‌هایی برای جریان‌های سیاسی دیگر فراهم کرد. «اعتقاد به مهدویت»، به عنوان مهم‌ترین حرکت عدالت طلبانه اسلامی و اهل بیته نیز زمینه‌ای شد تا گروهی از مردم برای اقدامات ضد ظلم به سراغ این موضوع بروند؛ اما این مجموعه کامل عقیدتی و حکومتی به صورت جامع دیده نشد و عده‌ای تنها به بخش نفی ظلم و آن هم به صورت قیام مسلحانه در هر شرایط دست زدند؛ و این مسئله از اساس باعث شکل‌گیری جریان‌هایی شد، مانند «زیدیه» که بر مبنای همین باورهای عدالت طلبانه و ظلم ستیزانه شکل گرفت. زیدیه به سه شاخه اصلی «جارودیه»، «بتریه» و «صالحیه» تقسیم می‌شود (شهرستانی، بی‌تا: ج ۱، ص ۱۴۲)؛ که اعتقادات مهدوی (امام مکتوم و مهدی منتظر) در فرقه جارودیه پررنگ‌تر است. با وجود تنوعات و اختلاف برداشت، محور مشترک در عقاید زیدیه حرکت و اقدام و قیام برای تحقق حکومت عدل است. لذا در این پژوهش، جایگاه و نحوه تاثیر گذاری آموزه‌های مهدویت بر عقاید و فعالیت‌های فرقه زیدیه مورد بحث قرار می‌گیرد؛ محور قرار گرفتن مبارزه با ظلم و نفی ستمکاری، و در تحقق این امر، اجرای امر به معروف و نهی از منکر و شناخت امام شجاع عادل از اهل بیت علیهم السلام، همگی از شاخصه‌های زیدیه است که این امور را بر متون و روایات مهدویت منطبق کرده‌اند و به بهره‌گیری از ادله مهدوی در هر زمان، به دنبال شخص واجد شرایط برای اجرای این امور هستند. در این تحقیق، این مسائل و انطباقات مورد تامل قرار می‌گیرد.



۲. پیشینه تحقیق

بیش تر منابع موجود در مورد زیدیه، به بحث‌های امامت، مهدویت زیدیه و یا بررسی تاریخی شخصیت «زید بن علی» پرداخته‌اند. از جمله مقاله «در آمدی بر جوهره چیستی و چرایی مهدویت در زیدیه در مجله مشرق موعود» (یزدانی احمدآبادی، ۱۳۹۷: ص ۵۱۳-۵۳۸)؛ «مهدویت و فرقه حسینیه زیدیه» (موسوی نژاد، ۱۳۸۴: ص ۱۲۷-۱۷۴)؛ پایان نامه «مهدویت در زیدیه و مقایسه آن با امامیه» (خلیلی، ۱۳۸۹: دانشگاه ادیان و مذاهب قم)؛ و کتاب «امامت از دیدگاه زیدیه و امامیه» (سلطانی، ۱۳۸۷).

منابع موجود بیش تر به بحث‌های تاریخی یا کلامی در موضوع اصل امامت و به تبع آن، مهدویت پرداخته‌اند؛ اما امتیاز این مقاله آن است که به طور مشخص خط سیر تاثیرات آموزه‌های مهدویت را بر حاکمیت و ایجاد قدرت و نیز اجرای امر و نهی و رفع ظلم به مثابه اهداف مهدوی، نشان می‌دهد.

۳. مفهوم شناسی

۱-۳. معنای قائم در روایات

لغت «قائم» از ریشه «ق و م» (قام، یقوم، قیاما) گرفته شده است. «ق و م» به معنای به پا خاست و برخاست می‌باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ص ۶۹۰) و لذا کلمه «قائم»، به کسی اطلاق می‌شود که برای امری به پا خیزد یا حرکتی به وسیله او صورت گیرد.

معنای اصطلاحی «قائم» اقتباس از روایات:

کسی که قیام کننده به حق و امر خداست (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۳۷۸ و طبرسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ص ۴۵۰). کسی که خداوند به وسیله او زمین را از عدل و داد پر می‌کند؛ همان گونه که از ظلم و جور پر شده است (مفید، ۱۴۱۳: ج ۲، ص ۳۷۹). کسی که خدا به وسیله او زمین را از عدل و قسط پر می‌کند، همان گونه که از ظلم و جور پر شده است، او «صاحب سیف» (شمشیر) است و زمین را از دشمنان خدا، اهل کفر و جحود پاک می‌کند و مردم را به اسلام فرا می‌خواند.



۳-۲. عدل و عدالت طلبی

برخی از لغویان عدالت را به «استقامت» معنا کرده‌اند و معتقدند که عدالت عبارت است از استقامت در طریق حق و اجتناب از آنچه در دین محظور است (دهخدا، ۱۳۴۱: ص ۱۱۹). برخی دیگر، عدل را مقابل ظلم و به معنای احقاق حق و اخراج حق از باطل و امر متوسط میان افراط و تفریط بیان کرده‌اند (سجادی، ۱۳۶۲: ص ۲۷۴-۲۷۵). در اصطلاح نیز عدالت در چند معنا به کار رفته است، از جمله به معنای برابری، مساوات، انصاف و بی طرفی. از این رو، برخی عدالت را به معنای تساوی و نفی تبعیض و رعایت تساوی در زمینه استحقاق‌های متساوی ذکر کرده‌اند (مطهری، ۱۳۵۲: ص ۵۹).

مقصود ما در این تحقیق، موضوع عدل در جریان حکومت آخرالزمانی و مهدویت و قائمیت حضرت است. در این میان، موضوع مهم آن است که در نگاه زیدیه، مفهوم و مصداق امامت به عدالت، آن هم به نوع اجتماعی و حاکمیتی منحصر شده است و در واقع امامت، به ایجاد حکومت عدل و تحقق عینی و خارجی آن مشروط است.

۴. درآمدی بر زیدیه

یکی از فرقه‌های اصلی شیعه، «زیدیه» است. این گروه به امامت «زید»، فرزند امام زین العابدین علیه السلام معتقد هستند. زیدی‌ها چون خود را پیرو زید می‌دانند، به «زیدیه» معروفند. این فرقه از لحاظ تعداد پیروان از شیعیان دوازده امامی کم‌تر هستند و برخلاف امامیه، «نص جلی» را لازم نمی‌دانند، بلکه به «نص خفی» معتقد هستند و این که هرکس در برابر ستمگری‌ها قیام کند، باید همراه او قیام کرد. آن‌ها معتقدند که امامت باید در میان فرزندان حضرت فاطمه باشد، و معتقدند: هر فاطمی که شمشیر بکشد و مردم را به سوی خود دعوت کند، اطاعت او، همچون اطاعت از حضرت علی بر آن‌ها واجب است. زیدی‌ها در کشورهای مختلف، از جمله یمن، بلاد جبل و دیلم پراکنده هستند (الشامی، ۱۳۶۷: ص ۳۹). گاهی نیز به کلیه شیعیانی که در طول سلطنت بنی امیه با رژیم اموی درگیر بوده‌اند، زیدی گفته شده است (ابن ابی‌الحدید، ۱۹۶۴: ج ۵، ص ۷۱).

بر اساس دیدگاه زیدیه، امامت بعد از امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام به زید بن علی انتقال



یافته است و علت آن را کمالات زید دانسته‌اند. از منظر آنان، زهد و عبادت وی به گونه‌ای بوده است که او را «حلیف القرآن» لقب داده‌اند. روایتی از پیامبر توسط زیدیه بیان می‌شود:

يَا حَسِينَ يُخْرِجُ مِنْ صُلْبِكَ رَجُلٌ يُقَالُ بِهِ زَيْدٌ يَتَخَطَّى هُوَ اصْحَابَهُ رِقَابَ النَّاسِ يَوْمَ الْقَمَةِ غَرًّا مُجَلِدِينَ... يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ بِلا حِسَابٍ؛ ای حسین! از نسل تو مردی ظهور می‌کند که او را «زید» می‌نامند، او و اصحابش در روز قیامت با چهره‌های گشاده و روشن روی شانه‌های مردم راه می‌روند... بدون حساب وارد بهشت می‌شوند (شهرستانی، بی‌تا: ج ۱، ص ۲۵۸).

در توصیف و تحلیل رویکرد زیدیه به امامت و خلافت؛ عده‌ای معتقدند که زید از رهبر معتزله تاثیر گرفته است؛ ولی با معتزله تفاوت‌هایی نیز دارد؛ از جمله این که زید، امیرالمومنین، علی عليه السلام را امام حق می‌دانست و او را در کارهای خود محق می‌شناخت؛ ولیکن از «شیخین» (ابوبکر و عمر) تبرّی نمی‌جست و عقیده‌اش چنان بود که می‌شود با وجود شخص فاضل به شخص پایین‌تر از او بیعت کرد (جواز امامت مفضول بر فاضل) از این رو، از آن جا که زید از صحابه و شیخین تبری نمی‌کرد، اهل سنت مذهب زید را پنجمین مذهب اسلامی دانسته‌اند (ابن خلدون، ۱۴۲۰: ج ۲، ص ۱۷۲). هم‌زمان با پیدایش زیدیه، یعنی در قرن دوم هجری، بحث مهدویت نیز در این فرقه شکل گرفت؛ اما اعتقاد به مهدی پنداری زید بن علی در جریان زیدیه کاملاً مشهود و بخشی از تاریخ زید به این موضوع مربوط است (از قرن دوم با اعتقاد برخی از زیدیان به مهدویت کسانی همچون نفس زکیه، محمد بن قاسم و یحیی بن عمر، و حتی پس از آن). حداقل تا میانه قرن چهارم ادعای مهدویت، بخشی از تاریخ زیدیه بوده است. از جمله حوادث این قرن، دعای حسین بن قاسم عیانی است. او پس از مرگ پدرش، قاسم بن علی عیانی، جانشین او و عهده دار امامت زیدیه در یمن شد، و در سال ۴۰۴ق، در میدان نبرد به قتل رسید؛ ولی گروهی از پیروان او مرگ وی را نپذیرفتند و مدعی شدند که او همان مهدی موعودی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، ظهورش را وعده فرموده و پس از یک دوره غیبت، برای اقامه عدل و داد باز خواهد گشت. برخی منابع معتبر زیدیه تصریح دارند که شخص حسین بن قاسم نیز در زمان حیاتش خود را مهدی موعود معرفی کرده و شاید به همین دلیل لقب «مهدی لدین الله» را برای خود برگزیده بود (هارونی، ۱۳۸۷: ص ۷۲، ۸۴، ۱۱۲، ۱۳۷-۱۵۰ و ۲۸۹ و اللججی، بی‌تا:



ص ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۷، ۳۴۰، ۳۴۲ و ۴۹۱). همچنین به حسین بن قاسم نسبت داده‌اند که گفته است: او نخواهد مُرد و به شهادت نمی‌رسد، مگر آن که در آخر الزمان قیام کند؛ و حمیدان بن یحیی در جواب، همان راه را می‌پیماید و عبارت‌های متعددی از حسین بن قاسم می‌آورد که به گمان او با چنین ادعایی منافات دارند (ابن یحیی، ۱۴۲۴: ص ۴۲۷-۴۲۸ و اشعری، ۱۴۰۰: ص ۶۲-۸۲). در هر حال، عقیده مهدویت در این دوره تاریخی زیدیه، با رویکرد استدلالی و کلامی همراه نبوده است، که می‌توان عدم شرایط لازم برای علمای زیدیه، از جمله درگیری با حاکمان وقت را از علل این عدم تبیین دانست.

۵. مولفه‌های مهدویت از منظر زیدیه

مهدویت جایگاه ویژه‌ای در سیستم اعتقادی و مخصوصاً اجتماعی زیدیه دارد و از این رو، دیدگاه زیدیه در مورد کلیات و نیز جزئیات مباحث مهدوی قابل تحلیل است. در این جستار، جایگاه حکومت عدل در زیدیه مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۵. اصل اعتقاد به مهدویت از منظر زیدیه

«اعتقاد به مهدویت» در متون تفسیری زیدیه ملاحظه می‌شود. در این بخش نیز موضوع حاکمیت و تحقق عدل محور قرار گرفته و آیات مرتبط با آن مورد استناد واقع شده‌اند. مثلاً برخی متفکران زیدیه، آیات مرتبط با موضوع مهدویت را در عرصه عدل تفسیر و تطبیق کرده‌اند. به عنوان نمونه در مورد آیه ﴿لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ﴾ (توبه: ۳۳؛ فتح: ۲۸ و صف: ۹)؛ گفته‌اند که این خبر در آینده در مورد حکومت مهدوی اتفاق خواهد افتاد (ابن یحیی، ۱۴۲۴: ص ۴۲۵-۴۲۶)؛ زیرا تسلط کلی اسلام و عدل در آن زمان واقع نشده است و زیدیه به دنبال عملی شدن آن بوده‌اند. در این صورت این آرمان و چشم انداز را با حاکمیت مهدوی به وسیله امام و رهبر قیام کننده دنبال کرده‌اند.

۲-۵. نام و اوصاف امام مهدی

نسب و خاندان امام مهدی از نگاه زیدیه: در این زمینه به روایاتی اشاره می‌شود که در آن‌ها از شاخصه‌های امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سوال می‌شود؛ مبنی بر این که آیا وی از نسل امام حسن ع است؟

است یا از نسل امام حسین علیه السلام در پاسخ بیان شده است که ایشان در هر حال از نسل حضرت فاطمه علیها السلام است (زید بن علی، ۱۴۲۲: ص ۳۶). روایتی را بیان می‌کنند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرموده‌اند: «مهدی همان من و پدر وی نیز همانم پدر من است و شجاع و سخی است و بر عمال سخت‌گیر است» (الرسی، ۱۴۲۰: ج ۲، ص ۱۹۲). در عین حال، برخی از زیدیه در مصداق مهدی برداشت‌های متعدد داشته‌اند و در موضوع ولادت ایشان در گذشته و یا آینده (رجعت و ظهور) اختلافاتی وجود دارد. معتقدند که بر اساس روایات از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، فرزند پاکی متولد خواهد شد که جهان را پر از عدل خواهد کرد و این وعده حتمی و محقق شدنی است (المنصور بالله، ۱۴۲۳: ج ۲، ص ۵۰۸). اندیشه زیدیه در بخش مصداق یابی به تفکر اهل سنت نزدیک است و حالت مهدی نوعی دارد. آنان معتقدند، فردی خواهد آمد که جهان را پر از عدل و داد می‌کند؛ همان‌گونه که پر از بیداد شده است و این که او قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم است و مومنان را عزت داده و کافران را ذلیل خواهد کرد (الرسی، ۱۴۲۰: ج ۲، ص ۴۰۸).

بنابه عقیده زیدیه، لازم است شخص امام ویژگی‌های، زیبایی و تناسب اندام و اندامی بی‌عیب داشته باشد. چه بسا روایات مهدوی در مورد زیبایی‌ها و جمال ظاهری امام مهدی علیه السلام نیز مستندی برای زیدیه قرار بگیرد. علاوه بر صفت فردی، ویژگی‌های لازم دیگر امام عبارتند از: عابد و زاهد بودن، عمل به کتاب و سنت، سخاوت و گشاده دستی (سلطانی، ۱۳۸۷: ص ۲۷۱ و ۲۷۲). در واقع، شجاعت، قدرت و داشتن صلاحیت‌های ظاهری و جسمی هم برای این شرط است که امام بتواند با قوت قلب و توانایی هر چه تمام در برابر دشمنان بایستد (رصاص، ۱۴۱۴: ص ۲۳) و به دلیل خصوصیات ظاهری زیبا و مناسب، در دل مؤمنان جا داشته باشد و قابل اعتماد شود تا در جریان نهی از منکر و حاکمیت عدل توفیق یابد.

بر پایه روایاتی از ابراهیم، برادر نفس زکیه، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به آمدن حضرت مهدی علیه السلام وعده داده؛ اما نام و خصوصیات وی را بیان نکرده است: «برادر من، نفس زکیه، به منظور امر به معروف و نهی از منکر به پا خاسته است. پس اگر خدا بخواهد، او را مهدی قرار می‌دهد.» از این رو، می‌توان برداشت کرد که به لحاظ نگاه وصفی و نوعی به مهدویت، حتی خود بزرگان زیدیه با اجرای قیام، امر به معروف و نهی از منکر، می‌توانند مهدی باشند (هارونی، ۱۴۲۲: ص ۱۹۴). «نوعی بودن مهدویت»، به گونه‌ای در این فرقه مشهور و روشن است. در جریان ورود



زید به کوفه، وقتی مردم تصورشان از قیام و موعود آن بود که بلا، ویرانی و خسارت و خرابی به بار خواهد آمد، به آن‌ها پاسخ داده شد که این‌گونه نیست و خداوند در هر قرنی مردی را بر می‌انگیزد یا خود آن شخص خروج می‌کند که بر مردم حجت است (منصور بالله، ۱۴۲۱: ص ۱۹۶-۱۹۸). در واقع، شخص واجد شرایط با اجرای اقدامات اصلاحی و عادلانه، بر مردم حجت می‌شود.

۵-۳. علائم ظهور از دیدگاه زیدیه

در مورد مکان و وقایع اصلی قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف، روایاتی توسط زیدیه مورد اشاره قرار گرفته‌اند، مبنی بر این‌که ظهور و قیام قائم در حالی است که مهدی به کعبه تکیه زده است. از طرفی به عنوان اشاره به علائم مهم ظهور، ماجرای خروج نفس زکیه و قتل وی را مورد اشاره قرار داده‌اند (نجدسعدی، ۱۳۹۹: ص ۱۴۰-۱۴۲).
الف) روایتی از زید چنین ملاحظه می‌شود:

... در آن هنگام قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشريف قیام خواهد کرد؛ در حالی که به کعبه تکیه زده است و از میان دو چشم او نوری می‌درخشد که تنها کوردلان دنیا و آخرت آن را نمی‌بینند. «ابوهاشم، فروشنده انار، از زید پرسید: ای اباحسین! آن نور چیست؟ زید پاسخ داد: «عدالت او در میان شما و حجت او بر آفرینش»^۱ (صعدی، ۱۴۲۲: ص ۱۴۰).

بر این اساس، قیام مهدی در مکه و کعبه است و همراهی با ایشان به معنویت و نورانیت نیاز دارد. در واقع «عدالت» عنصر محوری در اعتقاد آنان است که با به کار بردن اصطلاح «نور»، جایگاه محوری در قیام مهدی را نشان می‌دهد.

ب) قاسم بن محمد، امام زیدیه، چنین روایتی را از محمد حنفیه نقل می‌کند.

در آخر الزمان علمی از خراسان بلند می‌شود و پس از آن علمی دیگر. پیروانی می‌یابند که لباس‌هایشان سفید رنگ است و در پیشاپیش مردی از قبیله بنی تمیم است که وی را شعیب بن صالح می‌خوانند. در کنار دروازه اصطخر گرد هم می‌آیند و بینشان جنگی

۱. و عند ذلك يقوم قائم آل محمد ملجئاً ظهره الكعبه بين عينيه نور ساطع لا يعمرى عنه الا عمى القلب في الدنيا والآخرة فقال ابوهاشم بائع الرمان يا ابا الحسين، وما ذاك النور؟ قال: عدلته فيكم و حجته على الخلاق.

خونین در می‌گیرد. سپس پرچم‌های سیاه رنگی بالا خواهند رفت. این هنگام است که مردم ظهور مهدی را آرزو می‌کنند.

ملاحظه می‌شود که روایت مذکور شاخصه‌های لشکر و یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را بیان می‌کند (حسنی مؤیدی، ۱۴۱۴: ج ۱، ص ۶۴).

(ج) امام هادی الحق (یحیی بن حسین) از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چنین نقل کرده است:

مهدی آن هنگام ظهور خواهد کرد که فتنه‌ها انبوه، کتاب و سنت تعطیل و مغفول، فساد و افساد فراوان، ربا و رشوه بسیار، ستم سلطان پر شمار، امر به معروف و نهی از منکر تعطیل و... شده است و با ظهور او، زمین از عدل سرشار و از ستم سبک بار خواهد گردید (همان).

بر اساس این روایت نیز زبیدیه در میان تمام ویژگی‌های لازم برای ظهور، وقوع ظلم و ناهنجاری‌ها را مورد تاکید قرار می‌دهند که همین شرایط، قیام و تحقق عدالت را مطالبه می‌کند و حرکت اصلاحی حضرت نیز بر این محور اتفاق می‌افتد.

قاسم رسی در تحلیل حوادث آخرالزمانی بیان کرده است که حضرت مهدی وقتی ظهور می‌کند که فساد و فتنه زیاد گشته و با ظهور او زمین از مفسد و ظلم‌ها پاک می‌شود (الرسی، ۱۴۲۰: ج ۲، ص ۴۶۰ و ۴۶۹).

۴-۵. برنامه‌های مهدویت و ظهور

امیر حسین بدرالدین، به نقل از عبدالله بن مسعود نقل می‌کند که حرکت عدالت طلبانه توسط فرزندی از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با نام «مهدی» انجام می‌شود. این روایت وجود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و قطعیت وجود ایشان و خصوصا اقدام حضرت برای عدل و داد را مورد توجه و تاکید قرار می‌دهد (حسنی مؤیدی، ۱۴۱۴: ج ۱، ص ۵۸ و ۶۴).

حال باید دید در اعتقاد زبیدیه، چگونه مفاهیم مهدوی در قالب قیام و قائمیت و تشکیل حکومت عدل متبلور شده و مورد بهره برداری قرار گرفته است.

۶. جایگاه قیام در اندیشه مهدوی زبیدیه

موضوع «قیام» به گونه‌ای مهم است که تحقق امامت و مشروعیت آن به اقدام برای جهاد و



این مهم، مستلزم «قیام» است. اساسا حتی در میان انگیزه‌های زید، انتقام از بنیان حادثه کربلا و نیز امر به معروف و نهی از منکر را نام برده‌اند (مفید، ۱۴۱۳: ج ۲، ص ۱۷۳). از این رو، زیدیه بیش از آن که نظامی «اعتقادی» باشد، اندیشه‌ای «سیاسی» است که حول مفاهیم جهاد و امر به معروف و نهی از منکر و تحقق حکومت عدل است.

اهداف قیام شخص زید هم به گونه‌ای است که همگی در جهت تحقق جامعه عدل و احیای حقوق مسلمین است. براساس گزارش‌های تاریخی، مردم دسته‌دسته به محل سکونت زید می‌رفتند و با او بیعت می‌کردند. اساسنامه بیعت چنین بود:

ما شما را به کتاب خدا می‌خوانیم و سنت پیامبر او و نبرد با ستمگران و دفاع از ضعیفان و بخشش به محرومان و تقسیم غنیمت میان صاحبانش به مساوات و رد مظالم و باز آوردن سپاهیان دیر مانده و یاری اهل بیت علیهم‌السلام در مقابل مخالفان که حق ما را نشناخته‌اند. پس از پذیرش مردم، زید می‌گفت: «خدایا! شاهد باش» (بلاذری، ۱۹۷۷: ج ۳، ص ۲۳۹ و اصفهانی، بی‌تا: ص ۱۳).

البته این نکته هم گفتنی است که هدف زید از این قیام زمینه سازی برای حکومت اهل بیت علیهم‌السلام بود (خزاز رازی، ۱۴۰۱: ص ۳۰۶)؛^۱ ولی بعدها در مسیر شکل‌گیری، فرقه زیدیه رنگ و بوی دیگری به خود گرفت.

۷. جایگاه امام در تحقق حکومت عدل

الف) قیام و فضایل امام

بر اساس عقاید زیدیه، آنچه اصالت دارد، مصالح اجتماعی و سازماندهی سیاسی آن و نزدیک شدن به تحقق عدالت است. در واقع، به گونه‌ای، امامت به جای آن که امری قدسی و الهی با شاخصه نص و عصمت باشد؛ امری دنیایی است که صرفا به معنای رهبری نظام اسلامی و به دست گرفتن قدرت برای احیای امر به معروف و نهی از منکر بوده (فرمانیان و موسوی نژاد، ۱۳۸۶: ص ۱۹۴)؛ و این امور، مقدمه تشکیل حکومت عدل با استفاده از ابزار سیاسی اجتماعی

۱. امام صادق علیه‌السلام: «رحم الله عمی زیدا لو ظفرو لوفی إنما دعا إلى الرضا من آل محمد وأنا الرضا».

است که «نص»، «عصمت» و «افضلیت» در آن موضوعیت ندارند^۱ (شیخ مفید، ۱۳۹۶: ص ۲۷۷). از این رو، زیدیه معتقدند که امت اسلامی به خاطر مصالح بزرگ اسلامی و خاموش کردن آتش فتنه در میان مسلمین و به دست آوردن رضایت مردم، ابوبکر را به خلافت اسلامی انتخاب کردند؛ گرچه او با امیرالمؤمنین، علی علیه السلام به عنوان افضل صحابه و اعلم اصحاب قابل قیاس نبوده است. آن‌ها معتقدند، امامت مفضول با وجود شخص فاضل و افضل جایز است؛ و می‌شود در احکام و قضایای اجتماعی به وی مراجعه کرد (شهرستانی، بی تا: ج ۱، ص ۲۵۸). پذیرش مفضول در برابر افضل به این دلیل است که هرج و مرج پیش نیاید و به اصطلاح زمینه تحقق عدالت فراهم شود و از این رو، ائمه‌ای را که قیام نکرده و حکومت شکل نداده‌اند؛ به عنوان امام و شایسته حکومت ندانسته‌اند (ابن خلدون، ۱۴۲۰: ص ۳۵۰).

(ب) شرایط امام و مهدی به مثابه تحقق بخش عدالت

بر اساس عقیده زیدیه، هر سید فاطمی که عالم و شجاع و زاهد باشد و علیه حکومت ستمگر قیام کند، «امام مفترض الطاعه» می‌باشد که اطاعتش بر هر مسلمان واجب است. شرط بیعت با زمامدار مسلمین، قیام آن زمامدار با شمشیر و جهاد علیه دشمن اسلام است که در این زمینه وقتی که از زید بن علی از اصالت این شرط (قیام با شمشیر) در مذهب زیدیه پرسیدند؛ پاسخ داد: در مذهب ما «امام»، کسی نیست که در خانه‌اش ساکت بنشیند و از جهاد با دشمن امتناع ورزد؛ بلکه کسی است که به وظیفه خود عمل کند و در راه خدا جهاد و از حقوق مردم محروم و حریم احکام اسلام دفاع کند (کلینی، ۱۴۰۱: ج ۱، ص ۳۵۷). همچنین بیان شده که بر ما اهل بیت واجب است اگر یکی از فرزندان فاطمه قیام و مردم را به عمل به کتاب و سنت دعوت کند و در راه خدا جهاد و به شهادت برسد، دنباله راه او را بگیریم و مردم را به راه خدا دعوت کنیم و این وظیفه باید تا روز قیامت ادامه یابد. به عقیده فرقه زیدیه، شمشیر کشیدن و امر به معروف و نهی از منکر واجب است و تاکید می‌کنند که اگر توانستیم حکومت ستمگران را با شمشیر ساقط و حکومت عدل و حق را اقامه کنیم که به هدف خود نایل شده‌ایم و اگر نتوانستیم، در آن صورت

۱. البته زیدیه در مورد امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام و امامین حسنین علیهم السلام به نص قائل هستند؛ ولی در مورد دیگر ائمه و ویژگی‌هایی مانند قیام و شجاعت و غیره را ملاک امامت می‌دانند.

وظیفه خود را در برابر خداوند ادا کرده‌ایم. زیدیه عقیده دارند که اگر نیروهای پشتیبان اسلام به تعداد نفرات اصحاب بدر (۳۱۳ تن) برسند، بر امام مسلمین واجب است که علیه سلطان ستمگر قیام کند و براین عقیده خود به آیه زیر استدلال می‌کنند: «فَقَاتِلُوا آلَ تَبَغْيٍ حَتَّىٰ تَفِيءَ إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ»؛ با فرقه و گروه ستمگر بجنگید تا این که به امر خدا [=عدل اجتماعی] برگردند (حجرات: ۹). از این رو، مورخ معروف، بیهقی نقل می‌کند که زید می‌گفت: «مرا در جنگ با فاسقان یاری کنید و هرکس با من در راه خدا و ابطال باطل بجنگد؛ در روز قیامت دست او را می‌گیرم و با خود به بهشت خواهم برد» (شهرستانی، بی تا: ج ۱، ص ۲۵۷).

۸. ساز کار نقش آفرینی امام در تحقق عدل

۸-۱. لزوم حضور امام

به دلیل اهمیت قیام علیه ظلم در اعتقاد زیدیه؛ آنان حضور امام را برای این امر ضروری می‌دانند. از این رو، هرچند زیدیان به اصل مهدویت، از باب نیاز جامعه به عدالت گستر و ناجی جهانی اعتقاد دارند؛ در تفسیر این معنا، موضوع غیبت را کنار گذاشته و بر لزوم «شناخته شده بودن» وی تأکید می‌ورزند و اصولاً امامت را برای کسی که ناشناخته باشد، جایز نمی‌دانند و راهی برای شناخت امام زمان مورد ادعای امامیه نیست. کسی که ناشناخته باشد، گویا معدوم است و امامت برای معدوم جایز نیست. معیار و محور بحث‌های زیدیه در نفی غیبت، با حصر تعداد ائمه به دوازده تن متفاوت است (خزاز قمی، ۱۴۰۱: ص ۲۰۲). شیخ صدوق در این مورد می‌نویسد:

در بیان برخی از زیدیه آمده است، روایتی که دلالت دارد تعداد ائمه دوازده تن هستند؛ سخن جدیدی است که امامیه می‌گوید (و در این مورد احادیثی جعل کرده‌اند) و در مقام بیان، به آیه «وَكُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَا دُمْتُ فِيهِمْ» (مائده: ۱۱۷)؛ استدلال می‌کنند که امام شاهد اعمال آن‌هاست و کسی «شهید» شمرده می‌شود که به خیر دعوت کند و به امر به معروف و نهی از منکر پردازد و به جهاد قیام کند؛ نه این که شخص ناشناخته‌ای باشد؛ زیرا شهادت بر آنچه عیان است، واقع می‌شود؛ نه بر غیب (صدوق، ۱۴۰۵: ج ۱، ص ۶۷).



۸-۲. نفی غیبت و تقیه در اعتقاد مهدوی

بر اساس نوع نگاه زیدیه به حضور امام، مسئله این‌گونه است که وقتی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مردم را به تمسک به عترت امر فرمود، طبق عقل، عرف و سیره، مراد حضرت، علما و اتقیا هستند، نه جهال. پس آنچه بر مسلمین واجب است، این که دریابند علم به دین، فضل، زهد، حلم و استقلال به امر؛ در چه کسی جمع شده است تا در کنار کتاب خدا به او تمسک کنند. بنابراین، مهم برای زیدیه، شناخت شخص دارای صفات قیام در زمان حاضر است و غایب و ناشناخته بودن چنین شخصی با هندسه فکری و آرمان‌های حکومت عدل از دیدگاه آنان ناسازگار است، بلکه همه اهل بیت برای تحقق حکومت عدل صلاحیت دارند و اقدام پنهان و تقیه نیز از منظر آنان مردود است (هالم، ۱۳۸۹: ص ۳۵۸).

پس بر اساس دیدگاه زیدیه، می‌توان گفت غیبت و عدم حضور امام و نیز تقیه خود امام و یاران‌شان در مسئله حاکمیت و عدالت امر غیر قابل قبولی است؛ در حالی که اصل تحقق عدل و حاکمیت، با تحقق توحید و اراده الهی در جامعه همسو است و چگونگی تحقق این اراده نیز به خداوند و اوامر او مربوط می‌شود. پس این خدا و ائمه هستند که تعیین تکلیف می‌کنند، نه آن که ما معیارهای امامت و تحقق عدل را تحمیل یا تفسیر کنیم.

۹. محوریت حکومت و قیام عمومی، در مقابل اندیشه انتظار مهدی خاص

با توجه به تعریف و تبیین‌هایی که از حکومت عدل از زیدیه ارائه می‌شود؛ و نیز موضع نفی غیبت امام، در این حکومت، «افراد» موضوعیت ندارند، بلکه «اوصاف» مهم هستند. از این رو، اگر فردی به دلایل مختلف نتواند این شرایط زیدیه را تحقق ببخشد، از شایستگی و لزوم اطاعت خارج می‌شود. لذا انتظار شخص معین در فرقه زیدیه مفهومی غیر قابل تحقق است. مهدی حق است و او از خاندان ما خواهد بود؛ ولی شما او را درک نخواهید کرد؛ چرا که ظهور او در آخر الزمان است. پس نباید از جهاد در رکاب آن دعوت کننده (در هر زمان) که به سوی کتاب خدا و سنت پیامبر فرا می‌خواند و امام و حجت شماس است؛ سستی کنید و باز بمانید (عبدالله بن حمزه، ۱۴۲۱: ص ۱۹۸-۱۹۹). براین اساس، پیروان فرقه زیدیه، به منجی آخرالزمانی اعتقاد دارند که از اهل بیت و برترین انسان هاست و در آخرالزمان ظهور می‌کند. همانطور که دیگر امامان اهل بیت



خروج و قیام می‌کردند و جامعه را به سوی عدل و داد می‌بردند؛ آن منجی نیز این اقدام را دنبال می‌کند؛ با همه این اوصاف، امری به نام «انتظار» مطرح نیست و لازم است، هر کس از اهل بیت که قیام کند به همراهی و تبعیت از وی بپردازیم (زید بن علی، ۱۴۲۲: ص ۳۶۰). خلاصه آن که زیدیه شخص معینی را به عنوان مهدی نمی‌شناسند و به تولد او اعتقاد ندارند، بلکه معتقدند که در زمان نامعین شخصی از اهل بیت می‌آید که زمین را پر از عدل و داد می‌کند (المنصور بالله، ۱۴۲۳: ص ۵۷۸-۵۷۹).



نتیجه‌گیری

۱. «مهدی باوری» در میان زیدیه، همانند دیگر فرقه‌های اسلامی، بازتاب خود را در تاریخ و متون دینی این گروه به نمایش گذاشته است. هر چند بیش‌ترین بازتاب مهدویت در تاریخ این گروه، با طرح مهدویت نوعی نمود داشته است. از جمله افرادی که ادعای مهدویت کرده یا تصور مهدویت در مورد آن‌ها وجود داشته است؛ می‌توان «از زید بن علی» و «محمد نفس زکیه» یاد کرد.

توجه به مهدویت مورد اعتقاد شیعه اثناعشریه در عقیده این گروه کم رنگ است، که به تبع آن، تأثیر این عقیده در تاریخ و حیات دینی و عقیده این گروه نیز کم رنگ شده است. براساس اندک روایاتی که زیدیه دارند، موعود، از منظر آنان فردی از اهل بیت است (از فرزندان امام حسن یا امام حسین علیه السلام) که در آخرالزمان متولد خواهد شد و رسالت اصلی او عدالت گسترده در جامعه بشری است.

۲. «مهدویت»، به عنوان مسئله‌ای مستقل در زیدیه محسوب نمی‌شود، بلکه از منظر آنان، تحقق حکومت عدل لازم است و برای فراهم شدن مصالح عمومی مسلمانان، باید با ظلم و ستم مقابله شود و امام شجاع عادل از اهل بیت علیهم السلام می‌تواند رهبری این قیام را به عهده بگیرد و اطاعت او در این زمینه لازم است.

۳. با توجه به نگاه عمومی و نوعی به مهدویت در زیدیه؛ انتظار شخص معین با زندگینامه مشخص مفهومی ندارد و لزوم اطاعت و همراهی با امام و مهدی در مورد هر کس که خصوصیات مورد نظر زیدیه را داشته باشد؛ اتفاق می‌افتد و اگر این شرایط احراز نشود، او را رها کرده و به سراغ دیگران می‌روند.

۴. زیدیه قیام را با مهدویت پیوند داده‌اند و علت این که مهدویت در زیدیه کم‌رنگ‌تر شده؛ همین موضوع است که اصالت در عقاید آن‌ها قیام و مقابله با ظلم است؛ نه بعد امامت و خلافت در مباحث مهدویت و امامت.



منابع

قرآن کریم.

۱. ابن ابی الحديد (۱۹۶۴م). *شرح نهج البلاغة*، بيروت، مكتبة الحياة.
۲. ابن قاسم، يحيى (۱۳۸۸ق). *غاية الأمانى فى أخبار القطر اليمانى*، محقق: سعيد عبدالفتاح عاشور ومحمد مصطفى زياده، القاهرة، دار الكتاب العربى.
۳. ابن يحيى، حميد، قاسم بن ابى عبدالله (۱۴۲۴ق). *مجموعه سيد حميدان*، يمن سعده، مركز اهل البيت لدراسات الاسلاميه.
۴. ابن يعقوب، حسين بن احمد (۱۴۱۷ق). *سيرة الإمام المنصور بالله القاسم بن على العياني*، صنعاء، دارالحكمة اليمانية.
۵. اشعري، ابوالحسن (۱۴۰۰ق). *مقالات الاسلاميين*، مصحح: هلموت ريتير، بي جا، دارالنشر فراترشتاينر.
۶. اصفهاني، ابوالفرج (بي تا). *مقاتل الطالبين*، قم، الشريف الرضى.
۷. بدرالدين، اميرالحسين (۱۴۲۲ق). *ينابيع النصيحة فى العقائد الصحيحه*، محقق: المرتضى بن زيد، صنعاء، مكتبه البدر للطباعة والنشر.
۸. بلاذرى، احمد بن يحيى (۱۹۷۷م). *انساب الاشراف*، محقق: محمد باقر محمودى، بيروت، دارالتعارف.
۹. حسنى مويدي، مجدالدين محمد بن منصور (۱۴۱۴ق). *لوامع الانوار فى جوامع العلوم والآثار*، يمن سعده، مكتب التراث الاسلامى.
۱۰. حميرى، نشوان بن سعيد (۱۹۴۸م). *رسالة الحور العين*، بي جا، مكتبة الخانجى.
۱۱. خزاز قمى، على بن محمد (۱۴۰۱ق). *كفاية الاثر*، قم، انتشارات بيدار.
۱۲. خليلي، زهرا (۱۳۸۹). *مهذويت در زيديه ومقايسه آن با اماميه*، دانشگاه اديان ومذاهب، قم.
۱۳. دهخدا، على اكبر (۱۳۴۱). *لغت نامه دهخدا*، چاپ سيروس، تهران.
۱۴. راغب اصفهاني، حسين بن محمد (۱۴۱۲ق). *مفردات راغب*، دارالشاميه، بيروت.
۱۵. الرسى، قاسم بن ابراهيم (۱۴۲۰ق). *الاحكام فى الحلال والحرام*، قم، مكتبة التراث الاسلامى.
۱۶. رصاص، احمد بن حسن (۱۴۱۴ق). *مصباح العلوم فى معرفه الحى القيوم*، محقق: محمد عبد السلام كافي، يمن صنعاء، دارالحكمه اليمانى.
۱۷. زيد بن على (۱۴۲۲ق). *مجموعه رسائل زيد بن على*، محقق: محمد بن على ازان، يمن صنعاء، دارالحكمه اليمانى.
۱۸. سجادى، سيد على (۱۳۶۳). *فرهنگ معارف اسلامى*، تهران، شركت مولفان و مترجمان ايران.



۱۹. سلطانی، مصطفی (۱۳۸۷). *امامت از دیدگاه امامیه و زیدیه*، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب.
۲۰. الشامی، فضیلت (۱۳۶۷). *تاریخ زیدیه در قرون دوم و سوم هجری*، مترجم: سید محمد صفی و علی اکبر مهدی پور، شیراز، مرکز نشر دانشگاه شیراز.
۲۱. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم (بی تا). *الملل والنحل*، محقق: امیرعلی مهنا و علی حسن فاعور، بیروت، دارالمعرفة.
۲۲. شیخ مفید، محمد بن نعمان (۱۳۹۶). *الفصول المختاره من العیون والمحاسن*، قم، مکتبه الدواری.
۲۳. _____ (۱۴۱۳ق). *الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، قم، کنگره شیخ مفید.
۲۴. صدوق محمد بن علی (۱۴۱۰ق). *فضائل الشیعه*، بی جا، موسسه امام المهدی.
۲۵. _____ (۱۴۰۵ق). *کمال الدین و تمام النعمه*، قم، دفتر نشر اسلامی.
۲۶. طبری، محمد بن جریر (۱۴۰۳ق). *تاریخ طبری*، بیروت، موسسه اعلمی للمطبوعات.
۲۷. عبدالله بن حمزه (۱۴۲۱ق). *العقد الثمین فی الاحکام ائمه الطاهیرین*، یمن صنعاء، موسسه الامام زید بن علی الثقافیه.
۲۸. عبدالله بن حمزه (بی تا). *شرح رساله الناصحه بالادله الواضحه*، یمن صعده، مرکز اهل بیت للدراسات الاسلامیه.
۲۹. فرمانیان، مهدی و موسوی نژاد، سید علی (۱۳۸۶). *درسنامه تاریخ و عقاید زیدیه*، قم، نشر ادیان.
۳۰. قاسمی، حمیدان بن یحیی (بی تا). *بیان الإشکال فیما حکى عن المهدى من الأقوال*، بی جا، منتشر شده در مجموع السید حمیدان.
۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۱ق). *الکافی*، محقق: علی اکبر غفاری، بیروت، دارالتعارف.
۳۲. اللحجی، مسلم بن محمد (۱۴۱۳ق). *تاریخ مسلم اللحجی بخش های منتشر شده در ملحقات سیره الامیرین*، محقق: عبدالغنی محمد عبدالعاطی، بیروت، الموسسه الجامعیه للدراسات والنشر والتوزیع.
۳۳. محلی، حمید بن احمد (۱۴۰۹ق). *الرساله الزاجره*. نسخه خطی، بی جا، بی نا.
۳۴. مطهری، مرتضی (۱۳۵۲). *عدل الهی*، تهران، صدرا.
۳۵. المنصور بالله، عبد الله بن حمزه (۱۴۲۳ق). *شرح الرساله الناصحه بالادله الواضحه*، یمن صعده، مرکز اهل بیت للدراسات الاسلامیه.
۳۶. _____ (۱۴۲۱ق). *العقد الثمین فی احکام العتره الطاهیرین*، مشهور به «المجموع المنصوری»، یمن صنعاء، موسسه الامام زید بن علی الثقافیه.

۳۷. موسوی نژاد، سید علی (پاییز ۱۳۸۴). *مه‌دویت و فرقه‌حسینیّه زیدیه*، مجله هفت آسمان، سال هفتم - شماره ۲۷.
۳۸. نجد سعدی، محمد عبدالله (۱۳۹۹ق). *در الاحادیث النبویه باسانید الی‌حیویه*، به روایت الهادی الی الحق یحیی بن الحسین، بیروت، بی‌نا.
۳۹. نجم سعدی، عبدالله بن محمد بن حمزه (۱۴۲۲ق). *در الاحادیث النبویه بالاسانید الی‌حیویه*، محقق: عبدالله بن حمود العززی، بیروت، موسسه امام زید بن علی الثقافیه.
۴۰. نوری طبرسی، حسین (بی‌تا). *نجم الثاقب*، قم، نشر علمیه اسلامیّه.
۴۱. هارونی، یحیی بن الحسین (۱۴۲۲ق). *تیسیر المطالب فی امالی ابی طالب*، تدوین کننده: ابن عبد السلام، یمن صنعاً، موسسه امام زید بن علی الثقافیه.
۴۲. _____ (۱۳۸۷). *الافاده فی تاریخ الائمه الساده*، محقق: محمد کاظم رحمتی، تهران، موسسه نشر میراث مکتوب.
۴۳. هاشمی شهیدی، اسدالله (بی‌تا). *ظهور مهدی از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان*، قم، مسجد جمکران.
۴۴. هالم، هاینس (۱۳۸۹). *تشییع*، مترجم: محمد تقی اکبری، قم، ادیان.
۴۵. یزدانی احمد آبادی، علی (۱۳۹۷). «*درآمدی بر جوهره چیستی و چرایی مه‌دویت در زیدیه*»، مجله مشرق موعود، شماره ۲/۴۵.